

تأملی در رسالت دانشگاه تراز انقلاب اسلامی، موانع و راهکارها

علی خدیوی^۱، بهزاد عابدی^۲*

چکیده

این پژوهش با هدف بازخوانی رسالت دانشگاه تراز انقلاب اسلامی و شناسایی موانع و راهکارهای تحقق آن انجام شد. روش تحقیق کیفی و مبتنی بر تحلیل مضمون داده‌های حاصل از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۱۰ نفر از استادان و سیاست‌گذاران حوزه علم و فرهنگ در ایران است که عمدتاً در سطوح مختلف با مفهوم و ایده دانشگاه اسلامی درگیر بوده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد دانشگاه تراز، نهادی صرفاً آموزشی یا پژوهشی نیست، بلکه در چهار ساحت اجتماعی، معرفتی، تربیتی و تمدنی باید به صورت هم‌افزا عمل کند: در حل مسائل واقعی جامعه مشارکت نماید، معرفت و عقلانیت دینی تولید کند، انسان مؤمن و اخلاق‌مدار بپروراند و در فرایند تمدن‌سازی اسلامی نقش فعال ایفا کند. موانع اصلی عبارت‌اند از: گسست تاریخی دانشگاه از مردم و نیازهای واقعی، غلبه پارادایم بازار و شاخص‌گرایی کمی بر آموزش عالی، ضعف سیاست‌گذاری اجتماعی و پاسخ‌گویی نهادی و غفلت از شاخص‌های عدالت علمی. در پاسخ، راهکارهای کلیدی پیشنهاد شد: بازنگری نظام ارزیابی بر مبنای اثر اجتماعی و عدالت، نهادینه‌سازی پاسخ‌گویی اجتماعی (منشور و شورای اجتماعی دانشگاه)، بازطراحی مأموریت فرهنگی و برنامه‌های درسی به سوی تفکر/مسئله‌محوری همراه با فلسفه علم، اخلاق علم و معرفت‌شناسی اسلامی، و تقویت شبکه‌های پژوهش و نوآوری با مشارکت جامعه در چارچوب الگوی چهار ماریچ. نتیجه آنکه عبور از دانشگاه «شاخص‌محور» به دانشگاه «مأموریت‌گرا» و «عدالت‌محور» مستلزم تغییر هم‌زمان در حکمرانی، ارزیابی، آموزش، پژوهش و فرهنگ سازمانی است. این مطالعه می‌کوشد فراتر از سطح گفتمانی، مبنایی برای سیاست‌گذاری تحول‌آفرین در آموزش عالی ایران فراهم آورد.

■ واژگان کلیدی

دانشگاه تراز انقلاب اسلامی؛ رسالت دانشگاه؛ عدالت علمی؛ تمدن نوین اسلامی؛ تربیت حکمت‌بنیان.

۱. گروه معارف اسلامی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.
۲. مرکز تحقیقات بیماریهای گوارش و کبد، پژوهشکده بیماریهای گوارش و کبد، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

behzad.abedi1993@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۲۹

مقدمه

نهاد دانشگاه در گذار از مراکز علمی سنتی به دانشگاه‌های سازمان‌یافته و سپس دانشگاه مدرن، تحولی تاریخی و چندوجهی را پشت سر گذاشته است (پدرسن، ۱۹۹۷؛ فراستخواه، ۱۳۹۲). در ابتدا، کارکرد آن به انتقال دانش سنتی و دینی محدود بود، اما پژوهش‌های تاریخی نشان می‌دهد مراکز علمی در جهان سنت، افزون‌بر آموزش، در عرصه‌های فلسفی، اجتماعی و حتی سیاسی نیز نقش آفرینی می‌کردند (جاسپر^۱، ۱۹۶۰). رسالت اصلی دانشگاه در جوامع سنتی، تربیت نخبگان فکری و پاسداری از سنت‌های معرفتی و فرهنگی بود؛ امری که هویت اجتماعی و انسجام فکری را حفظ می‌کرد (پدرسن^۲، ۱۹۹۷). آموزش در این نظام‌ها بیش از انتقال محفوظات، بر پرورش شخصیت علمی و اخلاقی، در قالب حلقه‌های درس و تربیت استاد-شاگردی استوار بود.

در اروپا، دانشگاه‌های قرون وسطا با الهیات و فلسفه آغاز کردند و با ایجاد ساختارهایی برای اعطای مدرک و تضمین کیفیت علمی، پایه نظام‌های دانشگاهی مدرن را نهادند (پدرسن، ۱۹۹۷). در دوران مدرن، دانشگاه به نهادی رسمی با کارکردهای آموزشی، پژوهشی و اجتماعی بدل شد و تحت تأثیر انقلاب صنعتی^۳ و تحولات پسامدرن، به مرکزی برای تولید دانش کاربردی و پاسخ‌گویی به نیازهای اقتصادی و اجتماعی تبدیل گردید (گیبونس، لیموژس، نووتنی و اسکواترزن^۴، ۲۰۱۰). در همین زمینه، مفهوم مسئولیت اجتماعی دانشگاه (یواس آر^۵) پدید آمد که بر پاسخ‌گویی دانشگاه در برابر جامعه و نقش آن در حل مسائل ملی و جهانی تأکید دارد (گامپورت^۶، ۲۰۰۷؛ بوچی ترنچ^۷، ۲۰۱۴).

در ایران نیز از آغاز شکل‌گیری دانشگاه تا پس از پیروزی انقلاب اسلامی، چگونگی بهره‌گیری از این نهاد به‌عنوان فرصت تمدنی، همواره دغدغه نخبگان و سیاست‌گذاران بوده است. تلاش برای پیوند دانشگاه با جامعه اسلامی و پالایش آن از ساختارهای ناسازگار با ارزش‌های دینی به شکل‌گیری گفتمان دانشگاه اسلامی انجامید؛ گفتمانی که بر تلفیق آموزش با اخلاق و مسئولیت اجتماعی تأکید دارد (امام‌خمینی، ۱۳۷۹). در بستر جمهوری اسلامی، انتظار از دانشگاه فراتر از

-
1. Jaspers
 2. Pedersen
 3. Industrial revolution
 4. Gibbons, Limoges, Nowotny, & Schwartzman
 5. USR
 6. Gumport
 7. Bucchi & Trench

آموزش و پژوهش رفته و به الگوی دانشگاه تراز انقلاب اسلامی منجر شده است؛ دانشگاهی که رسالت آن حرکت در مسیر حکمت، عدالت، استقلال معرفتی و تمدن‌سازی است. این چهارگانه برگرفته از اندیشه‌های امام خمینی و رهنمودهای مقام معظم رهبری درباره دانشگاه اسلامی است (خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ۱۳۹۷). بدین ترتیب، دانشگاه صرفاً محل تولید داده نیست، بلکه کانون تربیت انسان مؤمن و محور تحول فرهنگی و تمدنی جامعه است.

در سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی، دانشگاه نه تهدید بلکه فرصتی برای تحقق آرمان‌های انقلاب و ارتقای حیات اجتماعی تلقی می‌شود (کشتکار و نوروزی، ۱۳۹۵؛ ولایتی، ۱۳۹۷). از این رو، اصلاح و ارتقای آن پیوندی مستقیم با تعالی جامعه دارد و مسئولیت اجتماعی دانشگاه بخشی از فرایند تحقق تمدن نوین اسلامی محسوب می‌شود؛ تمدنی که بر پایه عقلانیت الهی، عدالت اجتماعی و پیشرفت علمی و معنوی انسان استوار است (الگوی پایه اسلامی-ایرانی پیشرفت، ۱۳۹۷). در این چارچوب، دانشگاه نقشی محوری دارد، زیرا تولید علم، تربیت نیروی انسانی متعهد و ایجاد ساختارهای معرفتی، پیش‌شرط تحقق تمدن نوین اسلامی است. بدون دانشگاهی که در مسیر حکمت، عدالت و معنویت حرکت کند، شکل‌گیری تمدن ممکن نخواهد بود. از این رو، در اسناد بالادستی و بیانات رهبری، بر ضرورت تبیین نسبت دانشگاه و تمدن نوین اسلامی تأکید شده است (خامنه‌ای، ۱۳۹۵).

با این حال، شواهد نشان می‌دهد که دانشگاه‌های ایران، با وجود تأکید بر نقش تمدنی، همچنان عمدتاً در چارچوب الگوهای غربی برنامه‌ریزی می‌شوند و از نظر ساختاری، محتوایی و فرهنگی، با موانعی چون سلطه معرفت سکولار (پارسانیا، ۱۳۹۰)، ضعف پیوند با جامعه (سروش، ۱۳۸۲)، ضعف تربیتی و ناسازگاری سیاست‌گذاری با مبانی اسلامی روبه‌رو هستند (فراستخواه، ۱۳۹۲). نیز می‌توان به غلبه شاخص‌گرایی کمی، بازارمحوری علم و گسست دانشگاه از جامعه اشاره کرد (خدیوی و هاشمیان، ۱۳۹۸). در نتیجه، سیاست‌گذاری آموزش عالی نیازمند بازاندیشی و حرکت به سوی مدل‌های بومی و تمدنی است، زیرا در فضای پیچیده و جهانی امروز، الگوهای گذشته پاسخ‌گوی مأموریت‌های تمدنی دانشگاه نخواهند بود.

۱. پیشینه تحقیق

از آغاز شکل‌گیری نهاد دانشگاه در تمدن غرب، این پرسش بنیادین مطرح بوده است که «دانشگاه برای چه آمده است؟» اندیشمندان بسیاری کوشیده‌اند رسالت و فلسفه وجودی دانشگاه را فراتر از آموزش حرفه‌ای یا انتقال مهارت تبیین کنند. کارل جاسپر در ایده دانشگاه، سه کارکرد اصلی آن را پژوهش علمی، آموزش مبتنی بر پژوهش و پاسداری از فرهنگ و معنویت می‌داند و دانشگاه را نهادی برای پرورش روح آزاد و عقلانیت معرفی می‌کند، نه ابزاری صرف برای رفع نیازهای اقتصادی (جاسپر، ۱۹۶۰). به همین ترتیب، جان هنری نیومن هدف دانشگاه را «تربیت عقل و اخلاق» دانسته و هشدار می‌دهد که علم بی‌حکمت، به ابزار قدرت و منفعت تبدیل می‌شود (نیومن^۱، ۱۸۵۲).

در قرن بیستم، هابرماس^۲ (۱۹۷۱) با طرح مفهوم «کنش ارتباطی»، دانشگاه را عرصه گفت‌وگوی انتقادی و بازسازی عقلانیت ارتباطی دانست، در حالی که پستمن^۳ (۱۹۹۲) از «بحران معنا» و «کالایی شدن علم» سخن گفت. با گسترش جامعه دانش‌بنیاد، مفهوم «مسئولیت اجتماعی دانشگاه»^۴ شکل گرفت. بر پایه دیدگاه گیبونز و همکاران (گیبونز، لیمگس، نوتنی و اسکواترزنمن، ۲۰۱۰)، دانشگاه باید از حالت درون‌گرا خارج شود و نهادی مشارکت‌جو، میان‌رشته‌ای و مسئله‌محور باشد. نظریه تولید دانش در بافت کاربردی نیز تأکید دارد که علم در تعامل با ذی‌نفعان اجتماعی و اقتصادی معنا می‌یابد. در همین راستا، گامپورت (۲۰۰۷) بر ضرورت مشارکت دانشگاه در حل مسائل عمومی تأکید کرده و بورروکابال^۵ (۱۳۹۷) با بررسی تجربه دانشگاه‌های آمریکای لاتین، نشان داده است که الگوهای مدیریتی غیربومی مانع ایفای نقش واقعی دانشگاه در توسعه فرهنگی و اجتماعی می‌شوند.

به‌طور کلی، پژوهش‌های بین‌المللی بیانگر گذار رسالت دانشگاه از «تولید دانش صرف» به‌سوی تربیت انسان، پاسخ‌گویی اجتماعی و ایفای نقش فرهنگی-تمدنی هستند؛ به این معنا که دانشگاه امروز نهادی علمی-اجتماعی است که مسئولیت بازسازی معنا، عدالت و عقلانیت را در جامعه بر عهده دارد.

-
1. Newman
 2. Habermas
 3. Postman
 4. The University Social Responsibility (USR).
 5. Borokabal

در ایران نیز طی دو دهه اخیر، پژوهش‌های متعددی به بررسی ابعاد رسالت دانشگاه از منظر اسلامی و ایرانی پرداخته‌اند. این مطالعات، ضمن نقد الگوی غربی، در پی بازتعریف مفهوم دانشگاه اسلامی با تأکید بر انسجام معرفتی، اخلاقی و اجتماعی بوده‌اند.

۲-۱. پژوهش‌های نظری درباره مفهوم و مبانی دانشگاه اسلامی

بخش مهمی از ادبیات داخلی به تبیین چیستی و فلسفه دانشگاه اسلامی اختصاص یافته است. پارسانیا نشان می‌دهد که دانشگاه‌های ایران هنوز در پارادایم^۱ مدرن عمل می‌کنند و برای اسلامی‌سازی واقعی، باید نظام تولید علم بر پایه عقلانیت دینی بازتعریف شود (پارسانیا، ۱۴۰۰). خدیوی و هاشمیان (۱۳۹۸) با روش تحلیل مضمون، دانشگاه اسلامی را به مثابه «نهاد علم» مفهوم‌پردازی کرده‌اند و نهادی‌شدن آن را بر سه رکن راهبرد، فرهنگ و ساختار سازمانی استوار می‌دانند.

۲-۲. پژوهش‌های تجربی درباره تحقق رسالت دانشگاه اسلامی

گروهی دیگر از پژوهش‌ها با رویکرد تجربی به سنجش وضعیت موجود دانشگاه‌های ایران پرداخته‌اند. کشتکار و نوروزی در مقاله «نقش دانشگاه در تحقق تمدن نوین اسلامی»، موانع تحقق رسالت دانشگاه را در سه بُعد ساختاری، فرهنگی و مدیریتی دسته‌بندی کرده‌اند (کشتکار و نوروزی، ۱۳۹۵). پژوهش «نقش دانشگاه در تقویت سرمایه اجتماعی دینی»، با رویکرد پیمایشی نشان می‌دهد که میان مشارکت اجتماعی و شاخص‌های دانشگاه اسلامی هم‌بستگی مثبت وجود دارد (حسین‌قلی‌زاده، ۱۳۹۰).

۳-۲. پژوهش‌های سیاستی و تطبیقی

در سطح سیاست‌گذاری، بخشی از ادبیات، با تحلیل اسناد بالادستی و متون مرجع و بخشی دیگر با مقایسه ایده دانشگاه اسلامی با الگوهای دانشگاه مدرن و غربی به بازتعریف «رسالت دانشگاه» پرداخته‌اند.

ذوالفقارزاده و سعدآبادی ارانی (۱۳۹۳)، با به‌کارگیری نظریه داده‌بنیاد متنی و تحلیل بیانات امام خمینی (ره)، کارکردها و رسالت‌های دانشگاه را ذیل آرمان‌های اسلامی استخراج کرده و مقوله‌هایی مانند «انسان‌سازی» و «هدایت‌گری جامعه» را در زمره کارکردهای اصلی دانشگاه برمی‌شمرند (ذوالفقارزاده و سعدآبادی ارانی، ۲۰۱۶).

در چارچوب مقایسه‌ای، امام‌خمینی (۱۳۵۸) در سخنرانی «تفاوت دانشگاه غربی و دانشگاه اسلامی» بر تفاوت «غایت دانشگاه» تأکید کرده و غایت دانشگاه اسلامی را ناظر به انسان‌سازی و تربیت انسانی می‌داند. این متن یکی از نقاط ارجاع مهم در ادبیات تطبیقی دانشگاه اسلامی و غربی در ایران است (امام‌خمینی، ۱۳۵۸).

از منظر «نهادی/سازمانی»، خدیوی و هاشمیان (۱۳۹۸) دانشگاه اسلامی را به‌مثابه یک «نهاد علم» مفهوم‌پردازی کرده و برای نهادی شدن دانشگاه اسلامی، بر نقش سه رکن نهادی راهبرد، فرهنگ و ساختار سازمانی تأکید می‌کنند (خدیوی و هاشمیان، ۱۳۹۸).

در حوزه سیاست‌پژوهی اسنادی، علیپور حافظی (۱۴۰۳) با تحلیل مضمون اسناد بالادستی آموزش عالی، انتظارات اسناد را در چند محور کلان (ازجمله آموزش، پژوهش، سیاست، ارتباط با صنعت و تجاری‌سازی و ...) طبقه‌بندی می‌کند و نشان می‌دهد تمرکز اسناد بالادستی توزیع یکنواختی ندارد و برخی محورهای کلیدی دانشگاه (ازجمله آموزش به‌عنوان کارکرد غالب دانشگاه‌ها) الزاماً در رتبه‌های نخست توجه اسناد قرار نمی‌گیرند (علی‌پور حافظی، ۱۴۰۳).

همچنین پروین و نظرزاده زارع، با مطالعه کیفی نشان می‌دهند تکثر نهادهای سیاست‌گذار و نبود مرزبندی شفاف مأموریت‌ها می‌تواند به موازی‌کاری و آشفتگی حکمرانی آموزش عالی منجر شود؛ یافته‌ای که به‌طور مستقیم با مسئله «کاهش انسجام نهادی در اجرای سیاست‌ها» مرتبط است (پروین و نظرزاده زارع، ۲۰۲۳).

مرور ادبیات نیز نشان می‌دهد بخش قابل‌توجهی از پژوهش‌های داخلی، بیشتر به استخراج مؤلفه‌ها/شاخص‌ها و صورت‌بندی‌های مفهومی پرداخته‌اند. برای نمونه، مطالعه فراترکیب مهرآورگیگلو با سنتز پژوهش‌های انجام‌شده، مؤلفه‌ها و مقوله‌های کلیدی دانشگاه تمدن‌ساز ایرانی-اسلامی را استخراج می‌کند (مهرآورگیگلو، ۱۴۰۰).

۲. چارچوب مفهومی

برای تحلیل مسئولیت دانشگاه تراز انقلاب اسلامی، ابتدا باید مفاهیم محوری این الگو تبیین شود. چارچوب مفهومی حاضر بر پایه تلفیق مبانی اسلامی، نظریه‌های کلان دانشگاهی و تجربه زیسته آموزش عالی در جمهوری اسلامی ایران شکل گرفته و چهار مفهوم بنیادین را دربرمی‌گیرد: دانشگاه تراز انقلاب اسلامی، مسئولیت اجتماعی دانشگاه، علم و حکمت، و تمدن‌سازی.

۲-۱. دانشگاه تراز انقلاب اسلامی

دانشگاه تراز انقلاب اسلامی نهادی است که رسالت خود را فراتر از آموزش و پژوهش، در پیوند علم، اخلاق و جامعه تعریف می‌کند (خدیوی و هاشمیان، ۱۳۹۸). براساس اندیشه‌های امام خمینی (ره)، مقام معظم رهبری و اسناد بالادستی، دانشگاه تراز نهادی است که در کنار آموزش و پژوهش، به پرورش انسان مؤمن، انقلابی و اخلاق‌مدار می‌پردازد. امام خمینی بر رهایی دانشگاه از وابستگی به الگوهای غربی و تربیت انسان‌های متعهد تأکید دارند (صحیفه امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۰: ۲۶۴). رهبر انقلاب اسلامی در دیدار با اساتید دانشگاه‌ها تأکید کردند که «دانشگاه باید دانشگاه متدین باشد و علم همراه با دین و معرفت عمیق دینی تولید شود. علم صرف، بدون دین و اخلاق، نمی‌تواند نیازهای معنوی و اجتماعی جامعه را پاسخ دهد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲). ویژگی‌های اصلی این دانشگاه عبارت است از احیای هویت اسلامی-ملی، تقویت خودباوری علمی و دستیابی به مرجعیت علمی جهانی؛ مؤلفه‌هایی که شرط ایفای نقش تمدن‌ساز و پیشرو در تحولات جهانی هستند.

۲-۲. مسئولیت اجتماعی دانشگاه

در ادبیات جهانی، مسئولیت اجتماعی دانشگاه (یو اس آر) ناظر بر پاسخ‌گویی دانشگاه به نیازهای محیطی، مشارکت در توسعه پایدار و ارتقای عدالت اجتماعی است (گامپورت، ۲۰۰۷). در اسناد داخلی، این مفهوم به پرورش انسان مؤمن و مسئول در قبال جامعه گسترش می‌یابد. شهید مطهری علم نافع را دانشی می‌داند که در خدمت تربیت و هدایت انسان باشد (مطهری، ۱۳۷۰). مقام معظم رهبری دانشگاه را «قوه عاقله کشور» می‌دانند که باید عقلانیت، اخلاق و معنویت را توأمان در جامعه جاری سازد (خامنه‌ای، ۱۳۹۵). از نگاه امام خمینی نیز «دانشگاه مبدأ همه تحولات است؛ اگر اصلاح شود کشور اصلاح خواهد شد» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۳: ۴۱۳). بنابراین، مسئولیت اجتماعی در دانشگاه اسلامی، علاوه بر حل مسائل جامعه، ناظر بر تربیت اخلاقی، عدالت علمی و هدایت فرهنگی نیز هست.

۲-۳. علم و حکمت در سنت اسلامی

در سنت اسلامی، علم و حکمت دو رکن بنیادین معرفت دینی و تمدن‌سازند. قرآن، پیوند علم با ربوبیت الهی را یادآور می‌شود: «الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» (علق، ۵-۳) و «يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ» (بقره، ۲۶۹). این آیات نشان می‌دهد که علم، بنیان هدایت فردی و اجتماعی است. امام خمینی (ره) هشدار

می‌دهد: «علمی که همراه اخلاق و تعهد اسلامی نباشد، دنیا را به فساد می‌کشاند» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۳: ۴۱۳).

براین اساس، دانشگاه اسلامی باید علاوه بر تولید دانش، مروج حکمت و علم نافع باشد؛ دانشی که با اخلاق و عمل اجتماعی پیوند دارد و به هدایت و اصلاح جامعه می‌انجامد.

۲-۴. دانشگاه به مثابه موتور پیشران تمدن سازی

تمدن منظومه‌ای از نهادها، ارزش‌ها، دانش، فرهنگ و فناوری است که در پیوند میان عقلانیت، اخلاق و معنویت شکل می‌گیرد. در منظومه فکری انقلاب اسلامی، تمدن مطلوب تنها توسعه مادی نیست، بلکه تعالی انسان در ابعاد الهی و اجتماعی را نیز در بر می‌گیرد. براساس سند الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، تحقق تمدن نوین اسلامی حاصل تعامل هماهنگ عقل، ایمان، علم و عدالت در ساحت فردی و اجتماعی است^۱ (الگوی پایه اسلامی-ایرانی پیشرفت، ۱۳۹۷). در همین چارچوب، مقام معظم رهبری دانشگاه را به عنوان «قوة محرکه کشور» و عامل پیشران نظام اسلامی در عرصه‌های علم، فرهنگ، اقتصاد و سیاست معرفی می‌کنند و بر نقش جهت‌دهنده آن در حرکت کلان جامعه تأکید دارند (خامنه‌ای، ۱۳۸۹).

بنابراین، دانشگاه مطلوب در گفتمان انقلاب اسلامی صرفاً نهادی آموزشی نیست، بلکه نهادی تمدن‌ساز است که وظیفه هدایت علمی و فرهنگی جامعه و پیوند دانش با نیازهای واقعی کشور را بر عهده دارد.

۳. روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش با رویکردی کیفی^۲ و با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون^۳ انجام شده است. روش تحلیل مضمون یکی از راهبردهای مؤثر در پژوهش‌های کیفی برای استخراج، طبقه‌بندی و تفسیر مضامین پنهان و آشکار در داده‌های متنی است. این روش در منابع روش‌شناسی کیفی، به‌طور مستقیم شرح داده شده است. به عنوان نمونه، در کتاب روش‌های تحقیق کیفی، تحلیل مضمون را روشی نظام‌مند برای شناسایی الگوهای معنایی در داده‌های متنی معرفی کرده‌اند (عابدی جعفری، تسلیمی، فقیهی و شیخ‌زاده، ۲۰۱۱). همچنین براون و کلارک در مقاله مشهور خود، تحلیل مضمون را به عنوان یکی از پایه‌ای‌ترین روش‌های کیفی برای استخراج مضامین بنیادی

۱. بندهای ۱۰ و ۱۱.

2. Qualitative

3. Thematic Analysis

معرفی کرده‌اند (براون و کلارک^۱، ۲۰۰۶). هدف از به‌کارگیری این روش در پژوهش حاضر، کشف الگوی چهارساحتی مسئولیت اجتماعی دانشگاه تراز انقلاب اسلامی بر پایه داده‌های میدانی است.

۳-۱. روش گردآوری داده‌ها

داده‌های پژوهش از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۱۰ نفر از استادان، سیاست‌گذاران، و مدیران باسابقه در حوزه علم، فرهنگ و دانشگاه گردآوری گردید. انتخاب مشارکت‌کنندگان به‌صورت هدفمند و با در نظر گرفتن معیارهایی مانند آگاهی از گفتمان انقلاب اسلامی در آموزش عالی، تجربه مدیریتی یا پژوهشی در نهاد دانشگاه و اشراف بر مباحث فلسفه علم و دانشگاه انجام شد. پرسش‌های مصاحبه شامل موضوعاتی چون چیستی دانشگاه تراز انقلاب اسلامی، مسئولیت‌های معرفتی و اجتماعی آن، نوع ارتباط دانشگاه با جامعه و موانع تحقق الگوی مطلوب دانشگاه اسلامی بود. هر جلسه مصاحبه بین ۴۰ تا ۶۰ دقیقه به طول انجامید و پس از اخذ رضایت مشارکت‌کنندگان، فایل‌های صوتی پیاده‌سازی، تایپ و برای تحلیل آماده‌سازی شدند.

۳-۲. روش تحلیل داده‌ها

برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار تخصصی مکس کیودا بهره گرفته شد. فرایند تحلیل در چهار گام سامان یافت: ابتدا واحدهای معنایی متن مصاحبه‌ها مشخص و به کدهای اولیه فشرده تبدیل شدند؛ سپس کدهای هم‌معنا و هم‌جهت در قالب مضامین پایه ادغام شدند؛ در مرحله بعد، مضامین پایه در سطحی انتزاعی‌تر به مضامین سازمان‌دهنده پیوند یافتند؛ و در نهایت، چهار مضمون فراگیر اجتماعی، معرفتی، تربیتی و تمدنی شکل گرفت. بنابراین، مضامین پایه در این پژوهش عین نقل‌قول‌های مصاحبه نیستند، بلکه عبارت‌های مفهومی انتزاع شده از کدهای اولیه‌اند. در جدول ۱ برای هر مضمون پایه، یک کد اولیه نماینده گزارش شده است.

۴. یافته‌های تحقیق

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که دانشگاه تراز انقلاب اسلامی نهادی چندبعدی و تحول‌گراست که غایت آن، پیوند دادن علم، ایمان و جامعه در راستای تحقق تمدن نوین اسلامی است. براساس تحلیل داده‌های کیفی مصاحبه‌ها، رسالت این دانشگاه در چهار ساحت اصلی (معرفتی، تربیتی، اجتماعی و تمدنی) تبلور می‌یابد و هریک از این ساحت‌ها، با مجموعه‌ای از موانع و راهکارهای ویژه همراه است. مسیر تقلیل داده از کدهای اولیه تا مضامین فراگیر در جدول شماره ۱ و موانع و راهکارهای متناظر در جدول شماره ۲ گزارش شده است.

در بُعد معرفتی، دانشگاه اسلامی مأمور بازسازی نظام دانایی بر پایه عقلانیت و حیانی و فرهنگ اسلامی است. مصاحبه‌شوندگان بر این باورند که رسالت معرفتی دانشگاه در هم‌افزایی عقل، وحی و تجربه و عبور از الگوی علم سکولار تحقق می‌یابد. به بیان آنان، علم در دانشگاه تراز انقلاب اسلامی صرفاً ابزاری برای تولید فناوری یا رقابت اقتصادی نیست، بلکه راهی برای کشف حقیقت و ایمان‌ورزی است. باین حال، سلطه علم مدرن، جدایی علم از فرهنگ دینی، و وابستگی به ساختار دانشی غربی، بحران هویت معرفتی را پدید آورده و علم را از حکمت الهی تهی کرده است. براین اساس، راهکارهایی چون نقد فلسفی علم مدرن، بومی‌سازی معرفت علمی بر مبنای فلسفه اسلامی، تلفیق اخلاق و معنویت در تولید دانش و عمومی‌سازی علم برای جامعه، از مهم‌ترین زمینه‌های تحقق رسالت معرفتی دانشگاه به شمار می‌آیند.

در بُعد تربیتی، هدف اصلی دانشگاه تراز انقلاب اسلامی پرورش انسان مؤمن، اخلاق‌مدار و خلاق است؛ انسانی که علم را نه مجموعه‌ای از داده‌ها، بلکه مسیری برای رشد عقلانی و تعالی روحی می‌بیند. یافته‌ها نشان می‌دهد که نظام آموزشی کنونی، بیش از حد بر حافظه‌محوری، مهارت‌گرایی و آموزش صرف تمرکز دارد و از تربیت فکری و اخلاقی غافل مانده است. استادان در مقام الگوهای تربیتی و اخلاقی کم‌رنگ شده‌اند و میان تعلیم و تهذیب پیوندی ساختاری وجود ندارد. از این رو، تغییر رویکرد آموزشی از حافظه‌محوری به تفکرمحوری، بازآمیختن آموزش با معنویت و اخلاق، تربیت استادان متعهد و اخلاق‌مدار و گنجاندن فلسفه علم و معرفت‌شناسی اسلامی در برنامه‌های درسی، از محورهای اساسی تحول تربیتی محسوب می‌شود. چنین تحولی می‌تواند دانشگاه را از محیطی آموزشی به مدرسه‌ای برای رشد انسان حکیم و کنشگر اجتماعی بدل سازد. در ساحت اجتماعی، دانشگاه تراز انقلاب اسلامی باید به نهاد مردم‌محور و عدالت‌گستر تبدیل شود؛ نهادی که علم را در خدمت رفع نیازهای واقعی جامعه و ارتقای عدالت علمی به کار گیرد. باین حال، یافته‌ها حاکی از آن است که گسست میان دانشگاه و جامعه، غلبه نگرش بازارمحور بر علم، و نبود سازوکار پاسخ‌گویی اجتماعی، مانع ایفای نقش اجتماعی دانشگاه شده است. دانشگاه‌ها غالباً در فضایی انتزاعی و جدا از مسائل مردم فعالیت می‌کنند و پژوهش‌ها کمتر به حل مشکلات عمومی منجر می‌شوند. از نگاه خبرگان، تبدیل آموزش به کنش اجتماعی از طریق دروس و پروژه‌های میدانی، تدوین منشور مسئولیت اجتماعی دانشگاه، طراحی شاخص‌های عدالت‌محور در پژوهش و

ایجاد بستر گفت‌وگوی مستمر با جامعه، از راهکارهای کلیدی برای بازگرداندن دانشگاه به جایگاه طبیعی خود در متن جامعه است.

در نهایت، در بُعد تمدنی، دانشگاه تراز انقلاب اسلامی باید به نهادی مکتب‌ساز و پیشران تبدیل شود؛ نهادی که با الهام از سنت علمی و فرهنگی اسلام، الگوی دانایی متناسب با جهان‌بینی توحیدی را بنیان نهد. در این بُعد، مهم‌ترین موانع عبارت‌اند از تقلید ساختاری از الگوی غربی دانشگاه، گسست از نظام دانشی تمدن اسلامی، ضعف هویت فرهنگی و علمی و فقدان جریان‌های مکتب‌ساز. راهکارهای پیشنهادی شامل طراحی الگوی تمدنی دانشگاه اسلامی، بازسازی نظام دانشی تمدن محور بر مبنای فلسفه علم توحیدی، ترویج جریان‌های علمی بومی و نهادینه‌سازی نقش دانشگاه در امت‌سازی اسلامی است. دانشگاه در این نگاه، تنها مرکز آموزش و پژوهش نیست، بلکه موتور فکری و فرهنگی جامعه و نقطه آغاز تمدن نوین اسلامی است.

در جمع‌بندی، می‌توان گفت که تحقق دانشگاه تراز انقلاب اسلامی نیازمند سه تحول بنیادین است: نخست، تحول معرفتی در مبانی علم از رهگذر بازگشت به حکمت الهی و عقلانیت وحیانی؛ دوم، تحول تربیتی در انسان دانشگاهی از طریق پیوند علم و ایمان؛ و سوم، تحول اجتماعی و تمدنی در نقش دانشگاه از نهاد آموزشی به نهاد عدالت‌گستر و تمدن‌ساز. در این الگو، علم نه کالا و نه ابزار قدرت، بلکه جوهر هدایت و بستر تعالی انسان و جامعه است. بدین ترتیب، دانشگاه تراز انقلاب اسلامی، الگویی حکمت‌بنیان، عدالت‌محور و مردم‌گراست که می‌تواند مسیر شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی را هموار سازد.

جدول (۱) مسیر کدگذاری و شکل گیری مضامین رسالت های چهارگانه دانشگاه تراز انقلاب اسلامی

مضمون فراگیر	مضمون سازمان دهنده	مضمون پایه	کد اولیه	نظر مصاحبه شوندگان
رسالت اجتماعی	جامعه محوری و حل مسئله	پیوند دانشگاه و جامعه	ضرورت حضور دانش در متن جامعه	دانش اگر وارد متن جامعه نشود، کارآمدی آن سنجیده نمی شود. (مصاحبه ۲)
		تولید اندیشه عمومی	تولید دانش برای عموم جامعه	دانشگاه باید برای عموم جامعه، دانش تولید کند نه فقط برای نخبگان. (۲)
		مردم محوری دانشگاه	اولویت دادن به مردم در مأموریت علمی	مردم ولی نعمت علمی دانشگاه هستند. (۲)
		حل مسائل مردم	ورود دانشگاه به مسائل و بحران های اجتماعی	دانشگاه باید در مسائل اجتماعی، اقتصادی و بلایای طبیعی ورود کند. (۵)
		واسطه مردم و حاکمیت	میانجی گری دانشگاه میان مردم و حاکمیت	دانشگاه باید واسطه مردم و حاکمیت در تحقق عدالت باشد. (۲)
		رشد متقابل مردم و دانشگاه	تعامل رشد آفرین مردم و دانشگاه	اگر شکاف علمی نباشد، مردم دانشگاه را رشد می دهند و دانشگاه هم مردم را. (۲)
		نهاد توسعه گرا	پیش بینی مسائل آینده	دانشگاه باید با آینده پژوهی، مسائل ده سال آینده را پیش بینی کند. (۲)
	پاسخ گویی و اثرگذاری اجتماعی	پاسخ گویی اجتماعی	پاسخ گویی دانشگاه در برابر مسائل جامعه	دانشگاه باید در قبال مسائل جامعه پاسخ گو باشد. (۵)
	عدالت علمی و ساختاری	عدالت خواهی دانشگاه	التزام دانشگاه به عدالت و قسط	دانشگاه باید مظهر عدالت و قسط باشد. (۲)
		شاخص عدالت علمی	تعریف شاخص برای عدالت علمی	شاخص عدالت علمی باید درست تعریف شود تا از علم غیر نافع جلوگیری شود. (۲)
		عدالت پژوهشی	اولویت دادن پژوهش به مسائل مردم	تحقیقات درباره سگ و گربه سرمایه داران زیاد است، اما مشکلات مردم زمین مانده. (۲)
		مبارزه با بی عدالتی علمی	بی عدالتی ناشی از کالایی شدن علم	اگر علم کالایی شود، دانشگاه منشأ بی عدالتی می شود. (۹)
		نقش دانشگاه در عدالت ساختاری	نقش دانشگاه در تحقق عدالت ساختاری	قسط عدالت ساز است. دانشگاه مبدأ آن است. (۲)

مضمون فراگیر	مضمون سازمان‌دهنده	مضمون پایه	کد اولیه	نظر مصاحبه‌شوندگان
رسالت اجتماعی	مشارکت و دسترسی عمومی به علم	تعامل مردم و دانشگاه	سهم پرسش‌های مردم در تولید علم	مردم بخشی از تولید علم‌اند، چون سؤال می‌پرسند. (۲)
		علم در خدمت مردم	لزوم بازگشت منافع علم به مردم	علمی که به مردم نرسد، دزدی از اموال مردم است. (۲)
		حق مردم برای علم‌آموزی	رفع انحصار دانشگاهی دانش	مردم باید قدرت تحلیل پیدا کنند؛ علم نباید در دانشگاه‌ها انحصار بماند. (۲)
		انتقال علم به مردم	انتقال دستاوردهای علمی به جامعه	علم باید از دانشگاه به مردم منتقل شود. (۵)
		مشارکت مردم در علم	مشارکت مردم در صورت‌بندی مسائل پژوهش	مردم از طریق طرح سؤال، بخشی از تولید علم‌اند. (۲)
	پاسخ‌گویی و اثرگذاری اجتماعی	پاسخ‌گویی علمی	مسئولیت‌پذیری اجتماعی پژوهشگر	پژوهشگر باید نسبت به مردم و جامعه پاسخ‌گو باشد. (۵)
		اثرپذیری اجتماعی دانشگاه	ضرورت اثرپذیری دانشگاه از تحولات فرهنگی جامعه	اگر دین از جامعه حذف شود، تغییری در دانشگاه رخ نمی‌دهد. (۵)
رسالت معرفتی	ترجمان و مرجعیت فرهنگی علم	عمومی‌سازی علم	فقدان ترجمان عمومی علم	در غرب استادان برای کودکان کتاب می‌نویسند؛ ما ترجمان علم نداریم. (۵)
	بازسازی مبانی معرفتی و اسلامی علم	فلسفه علم و فرهنگ	ورود فرهنگ به علم از مسیر فلسفه علم	فرهنگ از طریق فلسفه علم وارد علم می‌شود. (۳)
	بازسازی مبانی معرفتی و اسلامی علم	تبیین اسلامی علم	استفاده از وحی در تفسیر علمی	فیزیک‌دان از فعل خدا می‌گوید؛ باید از وحی کمک بگیرد. (۷)

مضمون فراگیر	مضمون سازمان دهنده	مضمون پایه	کد اولیه	نظر مصاحبه‌شوندگان
رسالت معرفتی	بازسازی مبانی معرفتی و اسلامی علم	تحول نظری در علم	ناکافی بودن تغییرات ظاهری در اسلامی سازی علم	اگر ساختار نظریه‌ها عوض نشود، تغییر ظواهر تنها خانه تیمی برای نفوذ علم سکولار است. (۳)
		تمایز دانشگاه اسلامی	تکوین دانشگاه اسلامی بر پایه عقل و وحی	دانشگاه مسلمانان نماز دارد، اما دانشگاه اسلامی از عقل و وحی زاییده می‌شود. (۷)
		علم سکولار و بحران فرهنگی	بحران هویت ناشی از علم سکولار	علم مدرن بحران هویت می‌آورد و دانشگاه کانون این بحران است. (۳)
	گذار از داده به حکمت و ایمان	از داده تا حکمت	تضعیف ایمان در انباشت پردازش نشده اطلاعات	با اطلاعات انبوه و بدون پردازش، ایمان‌ورزی تضعیف می‌شود. (۲)
	بازسازی مبانی معرفتی و اسلامی علم	نقد فلسفی علم مدرن	ضرورت نقد فلسفی علم مدرن	علم مدرن با فرهنگ ما ناسازگار است و باید فلسفه آن نقد شود. (۳)
		هماهنگی عقل و نقل	هم‌افزایی معرفت قولی و فعلی خداوند	فقه از قول خدا و فیزیک از فعل خدا می‌گوید. (۷)
	گذار از داده به حکمت و ایمان	تبدیل علم به ایمان	ایمان‌افزایی آموزش تجربی	درس تئوری دانش است، آزمایشگاه باید ایمان ایجاد کند. (۲)
		دانشگاه فرهنگی و تربیتی	رشد هم‌زمان ایمان، سبک زندگی و عقلانیت	دانشگاه باید محل رشد ایمان، سبک زندگی و عقلانیت باشد. (۴)
	ترجمان و مرجعیت علمی فرهنگی	مرجع فرهنگی جامعه	پاسخ‌گویی دانشگاه به نیازهای فرهنگی	دانشگاه باید پاسخ‌گوی نیازهای فرهنگی باشد. (۲)
	ارزش‌مداری علم و فناوری	حضور دین در فناوری	فقدان ارزش‌های دینی در محصولات علمی	در کتاب‌ها و محصولات علمی، آموزه‌های دینی وجود ندارد. (۵)
	گذار از داده به حکمت و ایمان	علم ابزاری در برابر حکمت	ابزاری شدن علم و فاصله‌گیری از حکمت	علم در دانشگاه به ابزار تبدیل شده، نه حکمت. (۳)
	ارزش‌مداری علم و فناوری	پرهیز از کالایی شدن علم	ظلم‌زایی علم کالایی	علم اگر کالا شود، ممکن است به ظلم منتهی شود. (۲)

مضمون فراگیر	مضمون سازمان‌دهنده	مضمون پایه	کد اولیه	نظر مصاحبه‌شوندگان
رسالت تربیتی	تفکرورزی و آموزش حکمت‌بنیان	تربیت متفکر	تمایز تعلیم از انتقال اطلاعات	علم اگر در وجود انسان وارد نشود، انتقال اطلاعات است نه تعلیم. (۲)
	تربیت اخلاقی و معنوی	پیوند تعلیم و تهذیب	پیوند دانش نظری و ایمان عملی	درس تئوری دانش است، آزمایشگاه باید ایمان ایجاد کند. (۲)
		الگوی اخلاقی استاد	نقش تربیتی و الگویی استاد	استاد شاگرد را تربیت می‌کند و به رشد او فکر می‌کند. (۱۰)
	پویایی فکری و تربیت اجتماعی	نواندیشی دینی و اجتهاد	ضرورت اجتهاد تخصصی و روزآمد	اسلام نیاز به به‌روزرسانی دارد؛ باید اجتهاد تخصصی صورت گیرد. (۲)
		تربیت جامعه‌محور	احیای مفهوم امت در تربیت دانشگاهی	دانشگاه باید مفهوم امت را در ذهن کنشگران زنده کند. (۱)
	تربیت اخلاقی و معنوی	بازسازی معنوی علم	تبدیل دانش به ایمان	علم باید از دانش به ایمان تبدیل شود. (۲)
	تفکرورزی و آموزش حکمت‌بنیان	حکمت‌بنیان‌شدن علم	تبیین نسبت دانش و هستی	استاد باید نسبت دانش و هستی را برای دانشجو تبیین کند. (۶)
		فلسفه علم در آموزش	ضرورت آموزش فلسفه علم برای اسلامی‌سازی	آموزش فلسفه علم برای اسلامی کردن علوم ضروری است. (۶)
	تربیت اخلاقی و معنوی	رشد روحی در دانشگاه	هم‌زمانی ایمان و عقلانیت در رشد دانشجو	دانشگاه اسلامی یعنی ایمان و عقلانیت توأمان. (۱۰ و ۴)

مضمون فراگیر	مضمون سازمان دهنده	مضمون پایه	کد اولیه	نظر مصاحبه‌شوندگان
رسالت تمدنی	مکتب‌سازی و نظام دانشی تمدنی	دانشگاه مکتب‌ساز	مأموریت دانشگاه در تأسیس مکتب علمی	دانشگاه اسلامی تأسیس مکتب علمی و احیای تمدن اسلامی را بر عهده دارد. (۲)
		بازتاب تمدنی دانش	بازسازی رده‌بندی علوم تمدن اسلامی	در تمدن اسلامی، نظام خاص رده‌بندی علوم وجود داشته که باید بازسازی شود. (۳)
		علم، شاخه تمدن	بازتاب جهت تمدنی در ساختار دانشگاه	وقتی تمدن‌ساز هستید، دانشگاه باید آن را منعکس کند. (۲)
		نظام دانشی تمدن‌محور	طراحی ساختار علوم بر پایه الگوی تمدنی اسلامی	باید ساختار علوم را بر مبنای الگوی تمدن اسلامی طراحی کنیم. (۳)
هویت و امت‌سازی تمدنی	هویت امت‌سازی تمدنی	هویت تمدنی دانشگاه	تقویت هویت تمدنی دانشجویان	هویت دانشجویان هنوز شکل نگرفته؛ دانشگاه باید آن را تقویت کند. (۹)
		دانشگاه الگوی تمدنی	قرار دادن دانشگاه در چارچوب تمدن اسلامی	اگر تمدن غرب درختی است، دانشگاه میوه آن است؛ ما نیز باید دانشگاه را در چارچوب تمدن اسلامی ببینیم. (۱)
		دانشگاه و امت اسلامی	نهادینه‌سازی مفهوم امت در فرهنگ دانشگاه	دانشگاه باید مفهوم امت را در فرهنگ خود نهادینه کند. (۱)

جدول (۲) موانع و راهکارهای تحقق رسالت‌های چهارگانه دانشگاه تراز انقلاب اسلامی (براساس تحلیل مضمون)

مضمون فراگیر	راهکارهای پیشنهادی (برآمده از داده‌ها)	موانع تحقق (برآمده از داده‌ها)	محور تحلیلی
رسالت اجتماعی	طراحی دروس و پروژه‌های میدانی و مسئله‌محور؛ ایجاد بستر گفت‌وگو و ارتباط مستمر با جامعه	گسست دانشگاه از مردم و واقعیت‌های اجتماعی؛ آموزش و پژوهش انتزاعی و غیرمسئله‌محور	پیوند دانشگاه و جامعه
رسالت اجتماعی	بازتعریف مأموریت فرهنگی و اجتماعی دانشگاه؛ تقویت تولید علم نافع و عدالت‌محور	کالایی شدن علم و پژوهش؛ تبدیل علم به ابزار درآمد؛ تضعیف عدالت علمی	نگرش بازارمحور به علم
رسالت اجتماعی	تدوین شاخص‌های عدالت‌محور؛ هدایت پژوهش‌ها به سمت مسائل واقعی جامعه	تمرکز پژوهش‌ها بر منافع خاص و بی‌توجهی به نیازهای عمومی	عدالت علمی و پژوهشی
رسالت اجتماعی	تدوین «منشور مسئولیت اجتماعی دانشگاه» و ایجاد شورای اجتماعی دانشگاه	نبود سازوکار پاسخ‌گویی دانشگاه در برابر بحران‌ها و نیازهای ملی	پاسخ‌گویی اجتماعی
رسالت معرفتی	بومی‌سازی علم براساس عقل، وحی و تجربه؛ تفسیر علوم در چارچوب فلسفه اسلامی	سلطه علم سکولار و گسست معرفتی از فرهنگ دینی	نسبت علم و فرهنگ اسلامی
رسالت معرفتی	ترجمان دانایی و ساده‌سازی علم برای جامعه براساس زبان و فرهنگ بومی	محدود ماندن علم در فضای دانشگاهی؛ ضعف ترجمان فرهنگی	عمومی‌سازی معرفت
رسالت معرفتی	نهادینه‌سازی هم‌افزایی عقل و وحی در تولید دانش دینی	فقدان پیوند میان عقل، وحی و فرهنگ در نظریه‌پردازی	مبانی نظری علم دینی

مضمون فراگیر	راهکارهای پیشنهادی (برآمده از داده‌ها)	موانع تحقق (برآمده از داده‌ها)	محور تحلیلی
رسالت معرفتی	نقد فلسفی علم مدرن و بازسازی عقلانیت و حیانی	وابستگی نظری به ساختارهای مدرن غربی	ساختار دانشی و الگوهای غربی
رسالت معرفتی	تولید علم نافع، عدالت‌محور و حکمت‌بنیان	تقلیل علم به ابزار و کالا	ماهیت و غایت علم
رسالت معرفتی	نهادینه‌سازی باورهای دینی، معنویت و اخلاق در تولید علم و فناوری	تهی شدن تولیدات علمی از ارزش‌ها و اخلاق اسلامی	حضور دین در علم و فناوری
رسالت معرفتی	پیوند دانش با ایمان، اخلاق و معنویت در آموزش عالی	جدایی آموزش از ایمان و تهذیب اخلاقی	تربیت علمی و ایمانی
رسالت معرفتی	ایجاد رویکرد فلسفی دینی در تولید علم	ناپیوستگی فلسفه علم با فرهنگ اسلامی	فلسفه علم و فرهنگ دینی
رسالت تربیتی	تغییر رویکرد به تفکر محوری و بازطراحی دروس بر پایه اندیشه‌ورزی و تحلیل	حافظه‌محوری و ضعف در پرورش تفکر نقاد	شیوه یادگیری و تفکر
رسالت تربیتی	پیوند تعلیم و تهذیب در فرایند یاددهی-یادگیری.	جدایی تعلیم از تهذیب و اخلاق.	نسبت علم و اخلاق
رسالت تربیتی	گزینش و تربیت استادان اخلاق‌مدار و متعهد	ضعف الگوهای اخلاقی در میان استادان	جایگاه استاد
رسالت تربیتی	تقویت اجتهاد تخصصی و گفت‌وگوی علمی میان‌رشته‌ای برای نواندیشی دینی	رکود فکری و تقلید از الگوهای غربی؛ نبود فضای آزاداندیشی	پویایی علمی و اجتهاد فکری
رسالت تربیتی	تربیت جامعه‌محور با تأکید بر مسئولیت اجتماعی و عدالت‌خواهی	غفلت از جامعه‌پذیری ایمانی و امت‌سازی	مأموریت اجتماعی تربیت
رسالت تربیتی	بازسازی معنوی علم و تأکید بر بُعد قدسی و تربیتی آن	تقلیل علم به مهارت فنی بدون پیوند با حکمت	معنا و غایت علم

مضمون فراگیر	راهکارهای پیشنهادی (برآمده از داده‌ها)	موانع تحقق (برآمده از داده‌ها)	محور تحلیلی
رسالت تربیتی	افزودن دروس فلسفه علم، معرفت‌شناسی اسلامی و اخلاق علم	ناآشنایی دانشجویان با فلسفه علم و حکمت اسلامی	مبانی معرفتی آموزش
رسالت تربیتی	تحقق آموزش حکمت‌بنیان و پیوند دانش با هستی‌شناسی الهی	فقدان نگاه توحیدی در آموزش و علوم	غایت حکمت‌بنیان آموزش
رسالت تمدنی	بازتعریف دانشگاه به‌عنوان نهاد تمدن‌ساز و احیای سنت معرفتی اسلام	محدود شدن دانشگاه به آموزش؛ فقدان نقش تمدنی و مکتب‌ساز	ماهیت تمدن‌سازی دانشگاه
رسالت تمدنی	بازسازی نظام دانشی بر پایه فلسفه علم توحیدی و رده‌بندی علوم اسلامی	تبعیت از رده‌بندی غربی علوم و گسست از سنت دانشی اسلامی	نظام دانشی تمدن‌محور
رسالت تمدنی	تقویت هویت اسلامی-ملی و خودباوری علمی در نسل دانشگاهی	ضعف هویت فرهنگی و بحران خودباوری در نخبگان دانشگاهی	هویت فرهنگی و خودباوری علمی
رسالت تمدنی	نهادینه‌سازی نقش دانشگاه در امت‌سازی و انسجام فرهنگی دینی	نبود پیوند ارگانیک دانشگاه با امت اسلامی	امت‌سازی و انسجام فرهنگی
رسالت تمدنی	ترویج پژوهش‌های مکتب‌ساز و ایجاد مدارس علمی بومی	فقدان جریان‌های بومی و مکتب‌ساز در علم	مکتب‌سازی علمی
رسالت تمدنی	طراحی الگوی تمدنی بومی مبتنی بر ایمان، عقلانیت و عدالت	تقلید ساختاری از مدل دانشگاه مدرن غربی	استقلال از الگوهای غربی

۵. تحلیل و تفسیر یافته‌ها

تحلیل مضمون مصاحبه‌ها بر پایه چارچوب چهارساحتی نشان می‌دهد الگوی «دانشگاه تراز انقلاب اسلامی» بوی (۱۹۹۶) تنها در صورتی معنادار و کارآمد می‌شود که چهار رسالت اجتماعی، معرفتی، تربیتی و تمدنی به‌جای حرکت موازی، در یک منظومه هم‌بسته عمل کنند. این منظومه، از یک سو با ادبیات بین‌المللی دانشگاه درگیر با جامعه، تولید دانش در بستر کاربرد و نوآوری چهارتایی^۱ هم‌افق است (کرایانیس و کامپل^۲ ۲۰۰۹) و از سوی دیگر، با مبانی بومی «علم نافع»، «عقلانیت وحیانی» و «تمدن‌سازی» هم‌خوانی دارد (پارسانیا، ۱۳۹۰؛ مطهری، ۱۳۷۰). براساس داده‌ها، گذار از دانشگاه شاخص‌محور و بازارگرا به دانشگاه عدالت‌محور و حکمت‌بنیان، مستلزم بازطراحی هم‌زمان حکمرانی، برنامه درسی، سیاست پژوهش و فرهنگ سازمانی است.

۱. ساحت اجتماعی: از نهاد اداری تا کنشگر عدالت‌محور

یافته‌ها نشان می‌دهد «دانش نافع» هنگامی محقق می‌شود که دانش در متن زندگی اجتماعی جاری شود و به حل مسائل واقعی مردم بینجامد. در این صورت، دانشگاه حلقه واسط مردم و حاکمیت و تنظیم‌کننده رابطه علم و جامعه است (لیدسفورد^۳، ۲۰۱۲؛ خامنه‌ای، ۱۳۹۲). به‌لحاظ نظری، این تحول با گذار از الگوی سنتی تولید دانش^۴ به الگوی نوین تولید دانش در بستر کاربرد و مشارکت اجتماعی^۵ هم‌راستا است؛ الگویی که بر مسئله‌محوری، میان‌رشتگی و تعامل دانشگاه با جامعه تأکید دارد (نوتنی، اسکات و گیونس^۶، ۲۰۰۱).

در سطح بومی نیز ضرورت پیوند دانشگاه و جامعه و واگذاری سهم مردم در دستور کار پژوهش به‌روشنی طرح شده است (فراستخواه، ۱۳۹۲: ۲۶۷).

مشاهده میدانی، سه مانع کلیدی را برجسته‌تر نشان می‌دهد: گسست ساختاری دانشگاه از جامعه، تسلط منطق بازار و کمی‌گرایی بر پژوهش، و ضعف پاسخ‌گویی اجتماعی (هازلکرن^۷، ۲۰۱۵؛ اسلاگتر و رهاذس^۸، ۲۰۰۴).

-
1. Quadruple Helix
 2. Leydesdorff
 3. Mode 1
 4. Mode 2
 5. Nowotny, Scott, & Gibbons
 6. Hazelkorn
 7. Slaughter & Rhoades

را حل برآمده از داده‌ها و ادبیات عبارت است از تعبیهٔ دروس و پروژه‌های میدانی/مسئله‌محور؛ استقرار «منشور مسئولیت اجتماعی دانشگاه» و نهادهای تعاملی مانند شورای اجتماعی دانشگاه؛ و تغییر نظام ارزیابی به شاخص‌های اثر اجتماعی و عدالت دانشی به جای صرف استناد و رتبه (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۹: ۴۵). بنابراین بدون تعهد نهادی به عدالت و پاسخ‌گویی، دانشگاه تراز به سطح شعار تقلیل می‌یابد.

۲. ساحت معرفتی: بازسازی عقلانیت دینی و علم حکمت‌بنیان

یافته‌ها در ساحت معرفتی شامل موارد مهمی همانند نقد گسست میان علم دانشگاهی و فرهنگ و معنویت اسلامی است. در حکمت اسلامی، وحی و عقل دو مسیر هم‌افزای درک حقیقت‌اند؛ وحی هدایت کلان می‌دهد و عقل ابزار فهم و بسط آن است (مطهری، ۱۳۷۰). از این رو، «استقلال معرفتی» به معنای رهایی از سلطهٔ الگوهای مفهومی بیگانه و بازگشت به عقلانیت وحیانی است، نه انزوا از علم جهانی (پارسایان، ۱۳۹۰). یافته‌ها سه کاستی را گوشزد می‌کنند: تسلط پارادایم‌های سکولار و ابزارگرایی علم؛ ضعف «ترجمان دانایی» و عمومی‌سازی معرفت؛ وابستگی نظری به رده‌بندی‌ها و مبانی فلسفی مدرن.

این نقدها با ادبیات معاصر «چندگانگی معرفت‌ها»^۱ و «علم‌پسااستعماری»^۲ هم‌راستا است؛ رویکردهایی که هدف آن‌ها رهایی از هژمونی معرفتی غرب و به رسمیت شناختن افق‌های بدیل تولید دانش است (کانل^۳، ۲۰۲۰؛ هاردینگ^۴، ۲۰۱۱؛ سانتس^۵، ۲۰۱۶).

براساس داده‌های این پژوهش، راهکار اصلی برای عبور از سلطهٔ الگوهای سکولار، بازسازی بومی علم بر پایهٔ هم‌افزایی عقل، وحی و تجربه است. در این چارچوب، «علم دینی» نه به معنای انزوا از جهان علمی، بلکه به معنای ایجاد نظام دانشی است که در آن، معرفت علمی در پرتو ارزش‌های الهی و اخلاقی هدایت می‌شود.

1. Epistemic Pluralism
2. Postcolonial Science Studies
3. Connell
4. Harding
5. Santos

از این منظر، دو اقدام بنیادین ضرورت دارد:

نخست، نهادینه‌سازی اخلاق و معنویت در علم و فناوری در قالب چارچوب جهانی «پژوهش و نوآوری مسئولانه»^۱ که بر همسویی علم با ارزش‌های انسانی و اجتماعی تأکید دارد (آون و پانسرا^۲، ۱۳۸۹).

دوم، نقد فلسفی علم مدرن با تکیه بر مبانی فلسفه اسلامی و عقلانیت وحیانی، تا بدیل نظری بومی و حکمت‌بنیان برای علم معاصر شکل گیرد. بنابراین، تا زمانی که بنیان معرفت بر حکمت استوار نشود، سیاست علمی و آموزش عدالت‌محور نیز پایداری نظری و اخلاقی نخواهد یافت. به بیان دیگر، عدالت علمی، بر شالوده عقلانیت قدسی و معرفت الهی استوار است، نه صرفاً بر سیاست‌گذاری یا شاخص‌های کمی.

۳. ساحت تربیتی: از مهارت‌اندوزی به پرورش انسان مؤمن و حکیم

یافته‌ها نشان می‌دهد که جدایی تعلیم از تهذیب و غلبه حافظه‌محوری بر تفکر نقاد و اخلاقی، از موانع اصلی تحقق رسالت تربیتی دانشگاه تراز است. این رویکرد، آموزش را به انتقال داده‌های نظری محدود می‌سازد و مانع پرورش «انسان مؤمن و حکیم» می‌شود؛ انسانی که توانایی پیوند دانش، ایمان و کنش اخلاقی را در خود دارد. در سطح نظری، ادبیات تربیتی معاصر نیز همین جهت‌گیری را تأیید می‌کند، زیرا الگوهای نوین یادگیری بر یادگیری عمیق، تفکر انتقادی و پرورش فضیلت و مسئولیت اجتماعی تأکید دارند (براون، برنسفورد و کوکینگ^۳، ۱۹۹۹؛ فریر^۴، ۱۹۹۶؛ جامز^۵، ۲۰۰۳؛ پوپویس^۶، ۲۰۱۳).

در این نگاه، آموزش فرایندی برای تغییر نگرش و تعهد اخلاقی است، نه صرفاً انتقال دانش. بر پایه این هم‌گرایی میان اندیشه اسلامی و نظریه‌های نوین تربیت، رسالت تربیتی دانشگاه تراز انقلاب اسلامی پرورش انسان‌هایی است که در کنار تسلط علمی، از خودآگاهی اخلاقی و تعهد اجتماعی برخوردار باشند. تحقق این هدف مستلزم بازطراحی برنامه‌های درسی از محتوامحوری به تفکرمحوری، گنجاندن دروس «فلسفه علم، معرفت‌شناسی اسلامی و اخلاق علم» به‌عنوان هسته

1. Responsible Research and Innovation
2. Owen & Pansera
3. Brown, Bransford, & Cocking
4. Freire
5. James
6. Popovi c

عمومی، و تربیت استادان الگو و ایجاد فضای گفت‌وگوی میان‌رشته‌ای برای نواندیشی دینی است (کلین^۱، ۲۰۱۰). به صورت تحلیلی، تربیت در دانشگاه تراز صرفاً «توانستن» نیست، بلکه «شدن» اخلاقی و معنوی^۲ است. بنابراین، شاخص‌های تربیت دانشگاهی باید به سنجه‌هایی چون کنش اخلاقی، مسئولیت اجتماعی و رشد معنوی گسترش یابد.

۴. ساحت تمدنی در دانشگاه تراز انقلاب اسلامی

تحلیل یافته‌ها نشان می‌دهد که کارکرد تمدنی دانشگاه، فراتر از تولید علم تخصصی و جزیره‌ای است. دانشگاه در الگوی اسلامی باید به کانون تولید معنا، هویت و جهت اخلاقی علم تبدیل شود. چنین جایگاهی در ادبیات نظری با گذار از الگوی سه‌گانه^۳ (دولت-صنعت-دانشگاه) به الگوی چهارگانه^۴ که جامعه و فرهنگ را رکن چهارم نوآوری می‌داند، قابل تبیین است (کرایانیس و کامپل، ۲۰۰۹؛ اترکوویتز و لترکوویتز^۵، ۲۰۰۰).

در چارچوب بومی، این رکن چهارم همان «جامعه اسلامی» است که حامل جهت‌گیری الهی و عدالت‌محور علم به‌شمار می‌آید.

در عین حال، داده‌ها نشان می‌دهد که تقلید ساختاری از مدل‌های دانشگاهی غرب، بحران خودباوری علمی و گسست از سنت دانشی اسلامی، سه مانع اساسی در مسیر تمدن‌سازی علمی کشور به‌شمار می‌آیند (کانل^۶، ۲۰۰۸).

برای عبور از این موانع، دانشگاه باید رسالت تمدنی خود را بازتعریف کرده و رده‌بندی علوم را براساس فلسفه علم توحیدی بازسازی کند. همچنین، تقویت هویت اسلامی-ملی، نهادهای علمی و ایجاد شبکه‌های مکتب‌ساز میان‌رشته‌ای از گام‌های کلیدی در این مسیر است. از نظر تحلیلی، دانشگاه تراز زمانی تمدن‌ساز است که بتواند میان علم و غایت الهی، میان پژوهش و عدالت، و میان دانش و فرهنگ پیوند برقرار کند. در غیر این صورت، اصلاحات جزئی در آموزش و پژوهش به تغییر پارادایم تمدنی نخواهد انجامید. دانشگاه اسلامی باید قلب تپنده نظام دانشی جدیدی باشد که علم را نه ابزار، بلکه جلوه‌ای از حکمت الهی می‌داند.

1. Klein

2. Triple Helix

3. Quadruple Helix

4. Etzkowitz & Leydesdorff

5. Connell

۵. تعامل ساحت‌ها و راهبردهای سیاستی دانشگاه تراز

تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که مزیت بنیادین الگوی چهارساحتی در تعامل و هم‌افزایی میان ساحت‌ها نهفته است. به بیان دیگر، هیچ ساحتی به صورت مستقل معنا نمی‌یابد و تحقق دانشگاه تراز انقلاب اسلامی نیازمند پیوند ارگانیک میان ساحت معرفتی، تربیتی، اجتماعی و تمدنی است. نخست، میان ساحت اجتماعی و معرفتی رابطه‌ای دوسویه برقرار است: عدالت در سطح جامعه بدون عدالت معرفتی و رهایی از سلطه مفاهیم و الگوهای غربی پایدار نمی‌ماند.

دوم، میان ساحت تربیتی و اجتماعی، پیوندی اساسی وجود دارد، زیرا تربیت انسان متفکر، اخلاق‌مدار و مسئول، شرط لازم برای شکل‌گیری دانشگاه پاسخ‌گو و درگیر با جامعه است (بویر، ۱۹۹۶). سوم، ساحت تمدنی به منزله زیربنا و جهت‌دهنده سه ساحت دیگر عمل می‌کند. بازسازی نظام دانشی و الگوی حکمت‌بنیان، سازوکار هماهنگ‌سازی کل منظومه دانشگاه را فراهم می‌سازد. براساس این روابط، مجموعه‌ای از راهبردهای سیاستی برای تحقق دانشگاه تراز انقلاب اسلامی پیشنهاد می‌شود:

۱. حاکمیت و پاسخ‌گویی: تدوین منشور مسئولیت اجتماعی دانشگاه و تشکیل شورای اجتماعی برای ارتباط منظم با مردم و گزارش‌دهی مأموریت‌محور^۱ (دوک، گدارد، پوکا و بنورس^۲، ۲۰۰۷).
۲. ارزیابی و بودجه‌ریزی: تعریف شاخص‌های عدالت علمی و اثر اجتماعی در ارزیابی دانشگاه‌ها و تخصیص منابع بر پایه مأموریت و خدمت به جامعه (هازلکرن، ۲۰۱۵؛ مازوکاتو^۳، ۲۰۱۸).
۳. آموزش و تربیت استادان: گنجاندن دروس فلسفه علم اسلامی، اخلاق علم و تفکر نقاد در برنامه درسی و تربیت استادانی که الگوی اخلاق و مسئولیت علمی باشند (جامز، ۲۰۰۳؛ بیگ، تانگ و کندی^۴، ۲۰۲۲).
۴. پژوهش و نوآوری: ایجاد شبکه‌های همکاری چندبخشی میان دانشگاه، دولت، صنعت و جامعه براساس الگوی مارپیچ چهارگانه^۵ با تمرکز بر نیازهای واقعی کشور (ترنچر، یاریم، مک کرمیک، دال و کرانیس^۶، ۲۰۱۴؛ کرایانیس و کامپل^۷، ۲۰۰۹).

1. Mission-oriented
 2. Duke, Goddard, Puukka, Dubarle, & Benneworth
 3. Mazzucato
 4. Biggs, Tang, & Kennedy
 5. Quadruple Helix
 6. Trencher, Yarime, McCormick, Doll, & Kraines
 7. Carayannis & Campbell

۵. فرهنگ و هویت دانشگاهی: نهادینه‌سازی فرهنگ علم حکمت‌بنیان، رعایت اخلاق پژوهش و تقویت هویت اسلامی-ملی در فضای علمی (آون و پانسرا، ۲۰۱۹).

۶. ترجمان علم و ارتباطات اجتماعی: تأسیس مراکز «ترجمان دانایی» و «علم برای جامعه» برای ساده‌سازی و بومی‌سازی دانش در زبان و فرهنگ مردم (بورچی و ترنچی، ۲۰۱۴).
به‌طور کلی، یافته‌ها نشان می‌دهد که تحقق دانشگاه تراز تنها در گرو اصلاح بخشی از ساختار نیست، بلکه به هم‌افزایی چندبعدی میان سیاست‌گذاری، آموزش، پژوهش و فرهنگ سازمانی نیاز دارد. این هم‌افزایی، دانشگاه را از نهادی اداری و شاخص‌محور به کنشگر عدالت‌ساز، مردمی و تمدن‌پرداز بدل می‌سازد.

بنابراین، دانشگاه تراز زمانی می‌تواند به مأموریت خود دست یابد که عقلانیت حکمت‌بنیان در ساحت معرفتی، پاسخ‌گویی و عدالت‌دانشی در ساحت اجتماعی، فضیلت‌پروری و تفکر‌محوری در ساحت تربیتی، و معماری نظام دانشی توحیدی در ساحت تمدنی، به‌صورت هم‌زمان و هم‌افزا پیش بروند. چنین هم‌نواختی‌ای، از یک سو با ادبیات جهانی دانشگاه‌های درگیر با جامعه و نوآوری مسئولانه هم‌ساز است (بویر^۲، ۱۹۹۶؛ کرایانیس و کامپل، ۲۰۰۹) و از سوی دیگر، بر مبانی اسلامی علم نافع و عقلانیت و حیانی استوار است (مطهری، ۱۳۷۰). نتیجه نهایی، حرکت از «آموزشگاه شاخص‌محور» به «دانشگاه مأموریت‌گرا و عدالت‌محور^۳» است؛ دانشگاهی که در متن جامعه تنفس می‌کند و در مسیر تمدن نوین اسلامی نقش‌آفرین می‌شود (لیدسفورد، ۲۰۱۲؛ پارسانیا، ۱۳۹۰).

۷. نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان داد که تحقق الگوی «دانشگاه تراز انقلاب اسلامی» در گرو تحول هم‌زمان در چهار ساحت اجتماعی، معرفتی، تربیتی و تمدنی است. هریک از این ساحت‌ها بُعدی از یک منظومه منسجم را بازتاب می‌دهند که در آن، علم نه صرفاً ابزار توسعه، بلکه عنصر سازنده عدالت، معنویت و تمدن اسلامی است. این دانشگاه، در پیوندی ارگانیک با جامعه، مأموریت دارد علم را از سطح نظری و انتزاعی به سطح حل مسئله و تحول اجتماعی ارتقا دهد.

1. Bucchi & Trench

2. Boyer

3. Justice - oriented

در سطح کاربردی، نتایج نشان می‌دهد که اصلاحات جزئی در ساختار آموزش عالی، بدون تغییر پارادایم معرفتی و فرهنگی دانشگاه، ره به جایی نمی‌برد. دانشگاه تراز زمانی به واقعیت نزدیک می‌شود که عدالت و معنویت نه در حاشیه، بلکه در متن سیاست‌گذاری علمی، تخصیص منابع، آموزش و ارزیابی نهادینه شود. براین اساس، مجموعه‌ای از راهکارهای اجرایی، از جمله طراحی منشور مسئولیت اجتماعی دانشگاه، ایجاد شاخص‌های عدالت‌محور، بازطراحی برنامه‌های درسی بر پایه فلسفه علم اسلامی، تربیت استادان اخلاق‌مدار، و تقویت شبکه‌های مکتب‌ساز در تولید علم بومی، می‌تواند به عنوان محورهای عملیاتی این گذار مورد استفاده قرار گیرد.

از منظر نظریه پردازی، پژوهش حاضر با ادغام مبانی اسلامی و نظریه‌های بین‌المللی آموزش عالی، گامی در جهت تدوین چارچوب تلفیقی «دانشگاه عدالت‌محور و تمدن‌ساز» برداشته است. این چارچوب می‌تواند مبنایی برای مطالعات آتی درباره «شاخص‌های تحقق دانشگاه اسلامی» و «مدل‌های حکمرانی علم دینی» باشد. در چنین نگاهی، دانشگاه نه نهاد مصرف‌کننده علم جهانی، بلکه تولیدکننده نظام دانشی بدیل بر پایه عقل، وحی و تجربه است.

در نهایت، می‌توان نتیجه گرفت که آینده آموزش عالی در ایران، در گرو شکل‌گیری نسلی از دانشگاه‌هاست که هم‌زمان به مردم پاسخ دهند، به حقیقت وفادار باشند، و برای عدالت و تمدن نوین اسلامی کنشگری کنند. این دانشگاه، اگر در رسالت اجتماعی ریشه بدواند، در رسالت معرفتی عمق یابد، در رسالت تربیتی انسان بسازد، و در رسالت تمدنی افق گشاید، می‌تواند در سطح جهانی نمونه‌ای از «علم نافع حکمت‌بنیان» را به نمایش گذارد و الگوی تازه‌ای از دانشگاه اخلاق‌محور و معنوی در قرن بیست و یکم ارائه کند.

منابع

۱. الگوی پایه اسلامی-ایرانی پیشرفت، ۱۳۹۷، تهران، مرکز الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت.
۲. امام خمینی، سید روح الله، ۱۳۵۸، سخنرانی در جمع اساتید دانشگاه تهران (تفاوت دانشگاه غربی و دانشگاه اسلامی). Retrieved from <http://www.imam-khomeini.ir>.
۳. امام خمینی، سید روح الله، ۱۳۸۹، *صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی (س)*: (بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
۴. امام خمینی، سید روح الله، ۱۳۷۹، *نقش دانشگاه در تربیت انسان*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۵. بورروکابال، آ.، ۱۳۹۷، *دانشگاه نهادی امروزی*، مترجم علی شریفی، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۶. پارسانیا، حمید، ۱۳۹۰، *روشن‌شناسی انتقادی حکمت صدرایی*، چاپ دوم، قم، کتاب فردا.
۷. پارسانیا، حمید، ۱۴۰۰، *رساناس دینی و سکولاریسم پنهان*، قم، فردا.
۸. پروین، احسان، نظرزاده زارع، محسن، ۲۰۲۳، واکاوی آسیب‌های ناشی از تعدد نهادهای سیاست‌گذار در نظام آموزش عالی ایران. *مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی*، ۱۲(۲۳)، ۷۲-۵۹. doi:10.22080/eps.2023.24926.2164
۹. حسین قلی‌زاده، رضوان، ۱۳۹۰، تناسب آموزش عالی با تأکید بر نقش اجتماعی دانشگاه در جامعه دانش‌محور. *نامه آموزش عالی*، ۴(۱۳)، ۱۲۱-۱۴۲.
۱۰. خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۸۹، بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها.
۱۱. خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۵، دانشگاه در مسیر تمدن اسلامی.
۱۲. خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۲، بیانات در دیدار استادان دانشگاه‌ها. Retrieved from <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=23451>
۱۳. خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۷، بیانات در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها. Retrieved from <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=39877>
۱۴. خدیوی، علی، هاشمیان، سید محمدحسین، ۱۳۹۸، سازمان دانشگاه اسلامی به‌مثابه نهاد علم، *مطالعات فرهنگی اجتماعی حوزه*، ۳(۵)، ۲۸-۱. doi:10.22081/scs.2019.69222
۱۵. ذوالفقارزاده، محمد مهدی، سعدآبادی ارانی، علی اصغر، ۲۰۱۶، بازتعریف کارکردهای اصلی دانشگاه در جامعه براساس آرمان‌های اسلامی در اندیشه امام خمینی (ره)، *مطالعات راهبردی بسیج*، ۱۷(۶۵)، ۳۱-۵.
۱۶. سروش، عبدالکریم، ۱۳۸۲، *دانش و ارزش: پژوهشی در ارتباط علم و اخلاق*، تهران، سروش.
۱۷. عابدی جعفری، حسن، تسلیمی، محمدسعید، فقیهی، ابوالحسن، شیخ‌زاده، محمد، ۲۰۱۱، تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی، *اندیشه مدیریت راهبردی*.

doi:10.30497/smt.2011.163. ۱۹۸-۱۵۱، (۲)۵

۱۸. علی پور حافظی، مهدی، ۱۴۰۳، انتظارات اسناد بالادستی از نظام آموزش عالی کشور، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، ۳۰(۲)، ۱-۱۵. doi:10.61838/kman.irphe.30.2.1
۱۹. فراستخواه، مقصود، ۱۳۹۲، سرگذشت دانشگاه در ایران: از آغاز تا انقلاب اسلامی، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۲۰. کشتکار، مهران، و نوروزی، خلیل، ۱۳۹۵، الگوی مفهومی دانشگاه اسلامی از منظر مقام معظم رهبری مدظله العالی، مطالعات راهبردی بسیج، ۱۹(۷۳)، ۵-۲۷. SID. <https://sid.ir/paper/513198/fa>
۲۱. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۰، نقش دانشگاه در تربیت اسلامی، تهران، صدرا.
۲۲. مهرآورگیلو، شهرام، ۱۴۰۰، شناسایی مؤلفه های دانشگاه تمدن ساز ایرانی اسلامی: یک مطالعه فراترکیب. نشریه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، ۲۵(۸۶)، ۱۳۲-۱۵۳.
۲۳. ولایتی، علی اکبر، ۱۳۹۷، دانشگاه اسلامی و تمدن نوین اسلامی، تهران، مرکز پژوهش های فرهنگی.
24. Biggs, J., Tang, C., & Kennedy, G., 2022, *Teaching for quality learning at university 5e*, McGraw-hill education (UK).
25. Boyer, E. L., 1996, The scholarship of engagement, *Journal of Public Service & Outreach*, 1(1), 11-20.
26. Braun, V., & Clarke, V., 2006, Using thematic analysis in psychology, *Qualitative Research in Psychology*, 3, 77-101. doi:10.1191/1478088706qp063oa
27. Brown, A. L., Bransford, J., & Cocking, R. R., 1999, *How people learn: Brain, mind, experience, and school*: National Academy Press.
28. Bucchi, M., & Trench, B. E., 2014, *Routledge Handbook of Public Communication of Science and Technology* (2 ed).
29. Carayannis, E. G., & Campbell, D. F., 2009 'Mode 3' and 'Quadruple Helix': toward a 21st century fractal innovation ecosystem. *International journal of technology management*, 46(3-4), 201-234.
30. Connell, R., 2008, Extracts from Southern Theory: The global dynamics of knowledge in social science, *Australian Humanities Review*, 44, 53-73.
31. Connell, R., 2020, *Southern theory: The global dynamics of knowledge in social science*: Routledge.
32. Duke, C., Goddard, J., Puukka, J., Dubarle, P., & Benneworth, P., 2007, *Higher*

education and regions: Globally competitive, locally engaged: Oecd.

33. Etzkowitz, H., & Leydesdorff, L., 2000, The dynamics of innovation: from National Systems and "Mode 2" to a Triple Helix of university-industry-government relations, *Research policy*, 29(2), 109-123.

34. Freire, P., 1996, *Pedagogy of the oppressed* (revised), New York: Continuum, 356, 357-358.

35. Gibbons, M., Limoges, C., Nowotny, H., & Schwartzman, S., 2010, *The New Production of Knowledge: The Dynamics of Science and Research in Contemporary Societies* Retrieved from <https://sk.sagepub.com/book/mono/the-new-production-of-knowledge/toc> doi:10.4135/9781446221853

36. Gumport, P. J., 2007, *Sociology of higher education: Contributions and their contexts*: Johns Hopkins University Press.

37. Habermas, J., 1971, *Knowledge and human interests*, Translated by J. J. Shapiro. Boston: Beacon Press.

38. Harding, S., 2011, *The postcolonial science and technology studies reader*: Duke University Press.

39. Hazelkorn, E., 2015, *Rankings and the reshaping of higher education: The battle for world-class excellence*: Springer.

40. James, A., 2003, *Education with Character*, The moral economy of schooling: RoutledgeFalmer, Taylor & Francis Group, London And New York, thn.

41. Jaspers, K., 1960, *The idea of the university*.

42. Klein, J. T., 2010, *Creating interdisciplinary campus cultures: A model for strength and sustainability*: John Wiley & Sons.

43. Leydesdorff, L., 2012, The triple helix, quadruple helix,..., and an N-tuple of helices: explanatory models for analyzing the knowledge-based economy? *Journal of the knowledge economy*, 3(1), 25-35.

44. Mazzucato, M., 2018, *Mission-oriented research & innovation in the European Union: A problem-solving approach to fuel innovation-led growth*: Publications Office.

45. Newman, J. H., 1852, *The idea of a university*, London: Longman.

46. Nowotny, H., Scott, P., & Gibbons, M., 2001, *Re-thinking science :Knowledge and the public in an age of uncertainty*: SciELO Argentina.

47. Owen, R., & Pansera, M., 2019, *Responsible innovation and responsible research and innovation*: Edward Elgar Publishing.
48. Pedersen, O., 1997, *The first universities: Studium generale and the origins of university education in Europe*. Cambridge: Cambridge University Press.
49. Popovic, C., 2013, *Teaching for quality learning at university*. (2nd Edn.): Taylor & Francis.
50. Postman, N., 1992, *Technopoly: The surrender of culture to technology*. New York: Knopf.
51. Santos, B. d. S., 2016, Epistemologies of the South and the future. *From the European South: a transdisciplinary journal of postcolonial humanities*(1), 17-29.
52. Slaughter, S., & Rhoades, G., 2004, *Academic capitalism and the new economy* Baltimore. *The Johns Hop-kins University Pness*.
53. Trencher, G., Yarime, M., McCormick, K. B., Doll, C. N., & Kraines, S. B., 2014, Beyond the third mission: Exploring the emerging university function of co-creation for sustainability. *Science and Public Policy*, 41(2), 151-179.